

## تأثیر فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر بر تفسیر

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۲

حسین اکبری؛ دانشجو کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن  
حسین الوند؛ دانشجو کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن  
محمدجوادسقای بی‌ریا؛ دانشجو کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن

## چکیده

قرآن کریم، حدود چهارده قرن پیش از سوی خداوند متعال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و بین زمان نزول قرآن و مخاطبان فعلی و مفسران آن، فاصله زمانی ایجاد شده است. این سوال مطرح می‌شود که آیا این فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر در فهم و تفسیر آیات مؤثر است یا خیر؟ نوشتار حاضر، این مسأله را به عنوان یکی از مبانی تفسیر بررسی کرده است. روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای است.

در این زمینه، سه دیدگاه را می‌توان برشمرد: ۱. عدم تأثیر فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر در تفسیر؛ ۲. تأثیر تام فاصله زمانی در جلوگیری از فهم؛ ۳. تأثیر فی الجمله فاصله زمانی در تفسیر. دیدگاه سوم دیدگاه برگزیده است، یعنی گرچه فاصله زمانی در تفسیر مؤثر بوده و مفسر را در فهم آیات با مشکل جدی مواجه می‌سازد؛ اما مانع از فهم و تفسیر قرآن نیست، بلکه می‌توان از طریق دقت در قرائن داخلی آیات و بهره‌گیری از قرائن خارجی مانند فضای نزول به فهم روشنی از آیات دست یافت. این دیدگاه را می‌توان با سه مقدمه اثبات نمود: الف) مانعیت فی الجمله فاصله زمانی در تفسیر؛ ب) ضرورت آگاهی از فضای نزول در تفسیر قرآن؛ ج) امکان بازسازی فضای نزول با علم اسباب نزول و نقل‌های معتبر تاریخی.

کلید واژه‌ها: تفسیر قرآن، مفسران، فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر، فضای نزول، اسباب نزول.

قرآن کریم حدود چهارده قرن پیش، از سوی خداوند متعال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردیده است و بین زمان نزول قرآن و مخاطبان فعلی آن و مفسر قرآن در زمان حال، قرن‌ها فاصله شده است. از سوی دیگر، برخی از آیات قرآن، ناظر به اوضاع فرهنگی، زمانی و مکانی ویژه‌ای بوده یا در پی حوادث خاصی نازل شده است؛ این آیات افزون بر آنکه زمینه کلی هدایت‌گری دارند، در نزول آنها به عوامل و زمینه‌های خاصی نیز عنایت شده است. مخاطبان عصر نزول، به خاطر آگاهی از آن حوادث، فهم روشنی از آیات داشتند. سؤالی که در این جا مطرح می‌شود، این است: آیا فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر در فهم آیات قرآن کریم موثر است یا نه؟ اگر تأثیر دارد آیا تفسیر را برای او غیرممکن نمی‌سازد؟

فاصله زمانی از چند جهت می‌تواند در فهم مفسر از قرآن موثر باشد: ۱. فاصله زمانی موجب می‌شود بین فرهنگ عصر نزول و فرهنگ عصر مفسر تفاوت ایجاد شود؛ تفاوتی که خود موجب دگرگونی در تفسیر می‌گردد. ۲. فاصله زمانی ممکن است موجب از بین رفتن یا کم‌رنگ شدن برخی از قرائن مربوط به آیات (مانند فضای نزول) در صدر اسلام شود. از طرفی ممکن است در اثر مرور زمان، رویکرد مفسر به مقوله تفسیر تغییر کند که خود منجر به دگرگونی در فهم قرآن خواهد گردید. نوشته حاضر در صدد پاسخ به جهت دوم این مسأله است؛ یعنی به دنبال بررسی مسأله از این جهت است که فاصله زمانی ممکن است موجب از بین رفتن یا کم‌رنگ شدن برخی از قرائن مربوط به آیات، به خصوص فضای نزول گردد. گرچه درباره مسأله پژوهش حاضر، در برخی کتاب‌های روش‌شناسی تفسیر، پایان‌نامه‌ها و مقالات علوم قرآنی مطالبی بیان شده است؛ اما این مسأله به عنوان موضوعی مستقل و به عنوان یکی از مبانی تفسیر، مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. این نوشتار مسأله تأثیر فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر بر تفسیر را به طور مستقل، به عنوان یکی از مبانی تفسیر بررسی می‌کند.

## ۱. واژه شناسی

۱-۱. تفسیر در لغت: «تفسیر» از ریشه «فسر» گرفته شده، در لغت به معنای جدا کردن، بیان و تفصیل کتاب،<sup>۲</sup> توضیح دادن و آشکار کردن،<sup>۳</sup> بیان،<sup>۴</sup> کشف و آشکار ساختن امر پنهان و پوشیده<sup>۵</sup> آمده است. برخی با توجه به اینکه «تفسیر»، مصدر باب تفعیل است، مفهوم مبالغه را در آن نهفته دانسته، این واژه را به معنای به خوبی آشکار نمودن معانی الفاظ و حقایق پنهان می‌دانند.<sup>۶</sup>

واژه تفسیر تنها یک بار در قرآن کریم و در آیه ۳۳ سوره فرقان به کار رفته است: ﴿وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾؛ که در همان معنای لغوی یعنی کشف و بیان به کار رفته است.

۱-۲. تفسیر در اصطلاح: در کتابهای تفسیری و علوم قرآن، تعاریف مختلفی برای این واژه بیان شده است.<sup>۷</sup> علامه طباطبایی رَحِمَهُ اللهُ در تعریف تفسیر می‌نویسد: «تفسیر، بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آنهاست.»<sup>۸</sup> برخی نیز اینگونه تعریف نمودند: «تفسیر، عبارت است از فهم مفاد استعمالی و کشف مراد جدی خدای متعال از آیات قرآن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول محاوره عقلایی.»<sup>۹</sup> طبق این تعریف، مصداق‌یابی آیات نیز جزء فرآیند تفسیر به شمار می‌رود. برخی از قرآن‌پژوهان در این‌باره نگاشته‌اند:

آنچه در تفسیر کشف می‌شود، در مواردی هم مفاد استعمالی آیه و مراد خدا از آن است؛ ولی در مواردی آیه در مرحله مفاد استعمالی ابهامی ندارد و آنچه مبهم است مراد جدی خداوند است و بالطبع مفسر باید آن را آشکار کند. توجه به این نکته نیز لازم است که گاه کلام خداوند مربوط به یک واقعه خاص است و مراد خداوند بیان مصداق خاصی است که در چنین مواردی بیان مصداق مورد نظر خدای متعال نیز چون در دایره مراد جدی قرار می‌گیرد، تفسیر محسوب می‌شود.<sup>۱۰</sup>

به عنوان نمونه، می‌توان آیه ولایت را مثال زد که آیه‌ای عام است؛ ولی ناظر به جریان خاص بوده، از این رو دارای مفهوم عام نیست. در اینجا تعیین آن واقعه خاص (مصدق آیه)، تفسیر محسوب می‌گردد.<sup>۱۱</sup> در این نوشته، تعریف دوم، مبنا قرار گرفته است.

## ۲. اهمیت مسئله

مسئله تأثیر فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر بر تفسیر از این حیث دارای اهمیت است که جزء مبانی تفسیر به شمار می‌رود؛ چرا که پاسخ تحقیق درباره آن هر چه باشد، در تفسیر قرآن تأثیرگذار خواهد بود؛ بدین صورت که اگر قائل به عدم تأثیر فاصله زمانی در تفسیر باشیم، دیگر نیازی به شناسایی قرائن و فضای نزول آیات و استفاده از آن نیست و تنها باید از ظاهر آیات و قرائنی مانند قرینه سیاق بهره جست؛ اما اگر قائل به تأثیر فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر در تفسیر باشیم و این تأثیر را مانع از تفسیر ندانیم در تفسیر آیات باید به دنبال قرائن و فضای نزول آیات و بازسازی آن بوده، از آن در تفسیر آیات کمک گرفت.

## ۳. دیدگاه‌ها در باره تأثیر فاصله زمانی

درباره تأثیر فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر بر تفسیر، سه دیدگاه عمده مطرح است. ابتدا اجمالاً این دیدگاه‌ها را مطرح کرده، سپس دیدگاه برگزیده را اثبات خواهیم کرد.

### ۳-۱. عدم تأثیر فاصله زمانی در تفسیر

برخی از صاحب نظران معتقدند که فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر هیچ تأثیری در تفسیر ندارد. باورمندان به این دیدگاه عقیده دارند ویژگی‌های قرآن مانند جاودانگی و جهانی بودن آن و نیز برخی اوصاف دیگر قرآن مانند نور، بیان، تبیان و... اقتضا دارند که آیات قرآن در هر زمان روشن و آشکار باشند و در نتیجه، فاصله زمانی بین نزول و مفسر نقشی در تفسیر نداشته باشد. از نظر این گروه، در هر دوره‌ای، افراد می‌توانند با دقت در ظواهر آیات و استفاده از قرائن داخلی مانند قرینه سیاق، معنای آیات را بفهمند و دیگر به قرائن خارجی

که در گذر زمان از بین رفته یا کم‌رنگ می‌شوند، نیازی نیست. طبق نظر برخی از قرآن‌پژوهان، علامه طباطبایی چنین نظری درباره قرآن داشته، فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر را دارای تأثیر نمی‌دانسته است.<sup>۱۲</sup>

استاد جوادی آملی در مقدمه ترجمه تفسیر المیزان و در توضیح شیوه تفسیری علامه طباطبایی نگاشته‌اند که قرآن نور مبین است و ممکن نیست چیزی نور باشد و خود دارای ابهام و تاریک باشد. هم‌چنین کتابی که خود هدایت جهانیان را تأمین می‌کند، چگونه می‌تواند خود نیازمند هدایت دیگری باشد؛ بنابراین، هیچ مطلب مبهمی در قرآن وجود ندارد تا بخواهیم آن را به کمک غیر قرآن بشناسیم. البته مراجعه به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام دستوری است که از جانب خداوند برای روشن شدن همه حدود و احکام الهی در قرآن آمده است. ایشان هم‌چنین بیان کرده‌اند که بنای علامه طباطبایی بر این بود که آیات را -حتی در آیاتی که یک مصداق بیش‌تر نداشتند- به گونه‌ای تفسیر کنند که کلیت خود را از دست ندهند. اگر ایشان روایت معتبر شأن نزولی ذکر می‌کردند، هرگز آن را به تفسیر مفهومی حساب نمی‌کردند و آن را از باب جری و تطبیق می‌دانستند.<sup>۱۳</sup>

از برخی عبارات اندیشمندان متن‌محوری در هرمنوتیک، برمی‌آید که آن‌ها نیز در تفسیر و فهم یک متن، فاصله زمانی را مؤثر نمی‌دانند. متن‌محوران بر این باورند که برای فهم متن، باید به ساختار متن و عناصر درونی آن توجه کرد و به چیزی فراتر از ساختار متن نیاز نیست. نه جهان مفسر و نه جهان مؤلف و نه فضایی که متن در آن شکل گرفته، هیچ‌کدام نقشی در نیل به معنای متن ندارند.<sup>۱۴</sup>

از عبارات اندیشمندان هرمنوتیک فلسفی نیز به دست می‌آید که آن‌ها نیز قائل به عدم تأثیر فاصله زمانی بین پیدایش متن و مفسر در فهم و تفسیر آن هستند. آنان بر این باورند که فهم متن در گفت‌وگوی بین مفسر و متن ایجاد می‌شود و مفسر در ساخت معنا نقش تولیدی دارد. هایدگر، بنیان‌گذار این تفکر، تأکید می‌کند که مفسر دنیای ویژه خود را دارد و مؤلف نیز دنیای خاص خود. بر این اساس، نقب زدن به دنیای مؤلف ممکن نیست و فهم و تفسیر را به

بازسازی ذهن و دنیای مؤلف معنی کردن (آن چنان که هرمنوتیک کلاسیک معتقد است) امری نادرست است.<sup>۱۵</sup> گادامر، از دیگر اندیشمندان این تفکر نیز، عقیده دارد که هدف فهم هرمنوتیکی این نیست که به معنای یک اثر نزد مخاطب اصلی یا مؤلف پی برد، بلکه هدفش این است که دریابد این اثر برای ما و در حال حاضر چه معنایی دارد.<sup>۱۶</sup>

تذکر این نکته لازم است که مبنای اندیشمندان مسلمان قائل به عدم تأثیر فاصله زمانی، با مبنای هرمنوتیستهای فلسفی و متن محور متفاوت است؛ زیرا مدافعان هرمنوتیک فلسفی اساساً از زاویه‌ای متفاوت به تفسیر متن می‌نگرند. آنان معتقدند معنایی که از متن به دست می‌آید، ارتباطی به قرائن صدور متن در زمان مولف ندارد، بلکه معنای متن در جریان تعامل او با متن شکل می‌گیرد. طبق دیدگاه متن‌محوران نیز، معنا همیشه درون متن نهفته است و می‌توان معنا را به سهولت از متن به دست آورد؛ چه بین صدور متن و مفسر فاصله‌ای باشد، چه نباشد.

#### نقد

ضرورت توجه به ظواهر آیات و قرائن داخلی، به خصوص قرینه سیاق در فهم آیات قرآن، مورد قبول است و نیز ممکن است بتوان بدون استفاده از قرائن خارجی و فضای نزول به معنای آیه دست یافت؛ اما این کار سبب ابهام بخشی از مفاد آیه می‌گردد. در حالی که استفاده از قرائن خارجی، به خصوص فضای نزول، فهم آیات را آسان‌تر و مفاد آیه را شفاف‌تر می‌سازد. ضمن اینکه اکتفا به قرائن داخلی، در همه موارد، جزئیات و ظرائف آیات را روشن نمی‌سازد. بنابراین، برای آشکار شدن بهتر و کامل‌تر مفاد آیه، به ویژه آیاتی که دارای سبب نزول بوده و در فضای خاصی نازل شده - مانند آیات مربوط به جنگ‌ها و حوادث خاص - لازم است از قرائن خارجی، به خصوص فضای نزول، نیز بهره گرفت. علاوه بر آن، سیره مفسران قرآن کریم و دانشمندان علوم قرآنی از دیرباز بر این بوده است که در تفسیر آیات به فضای نزول توجه کافی داشته‌اند. برخی از مفسران بزرگ شیعه و سنی در ذیل هر آیه سبب نزول آیه را ذکر کرده و سبب نزول معتبر را در تفسیر خود دخالت می‌داده‌اند.<sup>۱۷</sup>

نتیجه آنکه، علاوه بر قرائن داخلی در تفسیر قرآن، برای فهم روشن‌تر آیات باید از قرائن خارجی، به‌ویژه فضای نزول، بهره جست.

درباره دیدگاه متن‌محوران هم باید گفت هرچند برای به دست آوردن معنا به طور حتم باید متن و عناصر درونی آن لحاظ شود؛ اما تنها اهتمام به آن برای رسیدن به معنا کافی نیست و علاوه بر آن باید به فضایی که متن در آن به وجود آمده است نیز توجه داشت.<sup>۱۸</sup>

### ۳-۲. تأثیر تام فاصله زمانی در جلوگیری از فهم

باورمندان به این دیدگاه عقیده دارند فاصله زمانی بین مفسر و زمان نزول متن (قرآن) به گونه ای تأثیر دارد که مانع از فهم متن می‌شود؛ یعنی به دلیل عدم حضور مفسر در زمان نزول آیات و عدم آگاهی او از قرائن و نیز به جهت از بین رفتن یا کم‌رنگ شدن این قرائن در طول زمان، مفسر نمی‌تواند فهم درستی از آیات داشته و تفسیر را به طور صحیح انجام دهد. بنابراین، طبق این دیدگاه، بدون استفاده از قرائن خارجی آیات، فهم صحیح و کامل آیات میسر نخواهد بود.

البته قائلین این دیدگاه، معتقدند این فاصله زمانی قابل جبران است و می‌توان قرائن خارجی را بازسازی کرد. واحدی نیشابوری که علی‌رغم اعتقاد به تأثیر تام فاصله زمانی در تفسیر، با استفاده از اسباب نزول آن را قابل بازسازی می‌داند، در این خصوص می‌نویسد: «شناخت تفسیر آیه، بدون آگاه شدن از داستان آن و بیان راز نزول آن ممکن نیست».<sup>۱۹</sup>

### نقد

هر چند تأثیرگذاری فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر در تفسیر، فی‌الجمله پذیرفتنی است؛ ولی این بدان معنا نیست که این تأثیر، تام بوده و بدون آگاهی از فضای نزول نتوان هیچ فهم درستی از آیات به دست آورد. طبق دیدگاه برگزیده، این تأثیر فی‌الجمله بوده و بدون استفاده از فضای نزول نیز می‌توان از طریق دقت در ظواهر آیات و با استفاده از قرینه

سیاق و آیات دیگر قرآن، تا حدودی معنای آیه را فهمید و آن را تفسیر کرد؛ هرچند چنین تفسیری کامل نبوده و همه ابعاد آیه را روشن نمی‌سازد.

### ۳-۳. تأثیر فی الجمله فاصله زمانی در تفسیر (دیدگاه برگزیده)

قائلین این دیدگاه که بیش‌تر دانشمندان علوم قرآنی را تشکیل می‌دهند، عقیده دارند که به طور حتم این فاصله زمانی در تفسیر تأثیرگذار بوده و مفسر را در فهم آیات با مشکل جدی مواجه می‌کند؛ اما این‌گونه نیست که مانع از فهم و تفسیر قرآن باشد، بلکه تاثیر آن فی الجمله بوده، می‌توان از طریق دقت در قرائن داخلی و بهره‌گیری از قرائن خارجی موجود، به خصوص فضای نزول، به فهم روشن و درستی از آیات رسید.

علاوه بر اندیشمندان و مفسران اسلامی، طرف‌داران دیدگاه هرمنوتیک کلاسیک در باب فهم متن معتقدند فاصله زمانی بین متن و مفسر، قابل بازسازی است. آنان بر این باورند که مفسر باید با مؤلف همدلی کرده و تا حد ممکن خود را به عصر مؤلف و جهان او نزدیک کند و از این طریق افکار مؤلف را در زمان حال بازسازی کند.<sup>۲۰</sup>

### ۴. اثبات دیدگاه برگزیده

دیدگاه باور به تأثیر فی الجمله فاصله زمانی در تفسیر با سه مقدمه ذیل به اثبات می‌رسد:

#### مقدمه اول: مانعیت فی الجمله فاصله زمانی در تفسیر قرآن کریم

همان‌طور که بیان گردید، به جهت از بین رفتن یا کم‌رنگ شدن قرائن خارجی آیات، به خصوص فضای نزول، مفسر در تفسیر قرآن دچار مشکل می‌گردد و فاصله زمانی، فی الجمله مانعیتی در فهم قرآن کریم دارد. نمی‌توان پذیرفت که مفاد آیات قرآن برای ما همان‌گونه روشن است که برای مسلمانان عصر نزول آشکار بوده است؛ زیرا مسلمانان صدر اسلام در عصر نزول قرآن زیسته‌اند و بسیاری از آیات در حضور آنان نازل شده، در بطن حوادثی که سبب نزول آیات بوده است، شخصاً حضور داشته و آن را به چشم خود مشاهده کرده‌اند. بنابراین، طبیعی است که مفاد آیات برای آنان کاملاً شفاف بوده باشد؛ ولی مفسری



که در عصر حاضر و پس از فاصله زمانی طولانی، به تفسیر آیات می‌پردازد، در تفسیر آیات فی‌الجمله دچار مشکل گردد.

یکی از مفسرین در این باره می‌نویسد: «برخی آیات قرآن درباره پدیده‌هایی است که مخاطبان اولیه از شرایط زمانی، مکانی و دیگر جزئیات آن آگاه بودند؛ ولی به تدریج با گذشت زمان و از میان رفتن آن شرایط، نسل‌های بعدی از آن محروم شده‌اند.»<sup>۲۱</sup> ایشان به

عنوان نمونه، آیه ۱۲۱ سوره آل عمران را ذکر می‌کند که خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾؛ بیاد آر، ای پیغمبر سحرگاهی را که از خانه خود به جهت صف‌آرایی مؤمنان برای جنگ بیرون شدی و خدا به همه گفتار و کردار توشنوا ودانا بود». ایشان عقیده دارد ظاهر آیه نشان می‌دهد که پیامبر در جنگی حضور داشته که نزدیک محل سکونت ایشان، یعنی مدینه بوده است (با استفاده از عبارت «و اذ غدوت من اهلک»); ولی اینکه این آیه به‌طور مشخص درباره چه جنگی و در چه زمان و مکانی بوده است، روشن نیست، (در حالی‌که) به یقین، مخاطبان نخستین به هنگام نزول آیه، جنگ مورد بحث را کاملاً می‌شناختند؛ ولی اکنون آن قرینه باید بازسازی شود.<sup>۲۲</sup>

برخی نیز با بیان اینکه آگاهی از تاریخ اسلام در تفسیر آیاتی که درباره جنگ و غزوات یا گفت‌وگو با منافقین و صحابه است، شرط فهم و تفسیر آن دسته از آیات است و اگر کسی از آن‌ها آگاهی نداشته باشد، نمی‌تواند آن دسته از آیات را به صورت روشن تفسیر کند، فی‌الجمله به این مطلب اشاره دارند که این فاصله زمانی مانع فهم صحیح مفسر از آیات مربوط به حوادث خاص بوده و برای فهم درست، مفسر باید از آن حوادث آگاهی یابد.<sup>۲۳</sup>

بنابراین، این مقدمه قابل قبول است که به دلیل از بین رفتن یا کم‌رنگ شدن قرائن و فضای نزول آیات، به مرور زمان، مانعیتی فی‌الجمله در تفسیر آیات به وجود می‌آید.

## مقدمه دوم: ضرورت آگاهی از فضای نزول در تفسیر آیات

به جهت تاثیر فاصله زمانی در تفسیر صحیح آیات، دانشمندان علوم قرآنی و مفسران مسلمان، در ضرورت آگاهی از فضای نزول در تفسیر آیات، تقریباً هم‌داستان بوده از نقش مهم آن در فهم صحیح آیات سخن گفته‌اند. فضای نزول شامل مؤلفه‌های سبب نزول، شأن نزول، فرهنگ عصر نزول، زمان و مکان نزول است.<sup>۲۴</sup> از میان این مؤلفه‌ها، سبب و شأن نزول، توجه بیشتری را به خود جلب کرده است؛<sup>۲۵</sup> از این رو، مشاهده می‌شود که قرآن‌پژوهان عنوان بحث را بر سبب نزول متمرکز کرده‌اند. ذکر این نکته لازم است که آیات قرآن بر دو دسته‌اند: دسته‌ای به اقتضای رویدادی یا در پاسخ پرسشی نازل شده‌اند و دسته دیگر بدون اقتضایی خاص نازل گردیده‌اند. ضرورت آگاهی از فضای نزول (به کمک روایات اسباب نزول و نقل‌های معتبر تاریخی) در مورد آیات دسته اول مطرح است.

توجه به قرائن کلام، به خصوص قرائن خارجی مانند فضای نزول، امری طبیعی و عقلایی است و مخصوص قرآن کریم نیست. مفسران قرآن کریم نیز، با توجه به سیره عقلا، به سبب نزول عنایت داشته و بر اهمیت آن تأکید کرده‌اند.<sup>۲۶</sup>

یکی از قرآن‌پژوهان درباره اهمیت اسباب نزول چنین می‌نگارد: «آیه‌ای که در مناسبتی خاص و برای حل مشکلی خاص نازل گردید، با آن حادثه ارتباط تنگاتنگ دارد به گونه‌ای که اگر شناخت آن مناسبت میسر نگردد، فهم هدف اساسی آیه نیز ممکن نخواهد بود.»<sup>۲۷</sup>

نیز بیان شده است که آگاهی از فضای نزول (شأن و سبب نزول به‌طور خاص) فهم آیات را آسان‌تر و مفاد آن را روشن‌تر می‌سازد و حتی در پاره‌ای از موارد بدون آگاهی از آن، مفاد آیه مبهم مانده، فاقد معنا و مفهومی روشن و مشخص می‌شود.<sup>۲۸</sup>

به عنوان نمونه در بخشی از آیه ۱۵۸ سوره بقره آمده است: ﴿إِنَّا لَصَفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا...﴾؛ همانا صفا و مروه دو نمونه از نشانه‌های خدا است پس هرکس حج خانه و یا عمره به جای آورد می‌تواند میان آن دو، سعی کند...».

این آیه شریفه بدون توجه به سبب نزول، جواز طواف (سعی) بین صفا و مروه را گزارش می‌کند و با وجوب آن - که مورد اتفاق است - منافات دارد؛ ولی در سبب نزول آیه چنین آمده است که در عصر جاهلیت، مشرکان بر کوه صفا بتی به نام «اساف» و برکوه مروه بت دیگری به نام «نائله» قرارداده بودند و در بین این دو کوه سعی می‌کردند و برای تبرک، بر آن دو بت دست می‌کشیدند، به همین دلیل مسلمانان تصور می‌کردند که سعی بین صفا و مروه یک سنت جاهلی است و انجام آن بر ایشان ناگوار بود و این آیه در این زمینه نازل گردیده است.<sup>۲۹</sup> با توجه به این سبب نزول، مفهوم «لا جناح» روشن و ابهام موجود در آن برطرف شده و دانسته می‌شود که تعبیر ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ﴾ در آیه کریمه، برای برطرف ساختن توهمی است که در ذهن مسلمانان آن زمان بوده است، - توهمی که چه بسا برای مسلمانان قرن‌های بعد نیز پیش آید ° و با وجوب طواف منافاتی ندارد.<sup>۳۰</sup>

همچنین درباره برخی وقایعی که مربوط به زمانهای پیش از اسلام است و در قرآن ذکر شده است، توجه و آگاهی از اصل واقعه، تاثیر قابل توجهی در حل مشکلات تفسیری و فهم صحیح مفاد و مقصود آیات دارد. به عنوان نمونه آیه شریفه ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره: ۶۵-۶۶) که می‌فرماید: محققا سرنوشت کسانی از شما را که در شنبه تجاوز کردند، دانستید که در پی چنین رفتاری به آنان گفتیم بوزینه‌هایی خوار باشید و آنان را مایه عبرت معاصران و آیندگان ایشان و پندی برای اهل تقوا قرار دادیم.

این آیه شریفه به ماجرای گروهی از بنی اسرائیل اشاره می‌کند که در کنار دریا می‌زیستند و برای آزمایش، صید ماهی در روز شنبه بر آنان حرام شده بود؛ ولی آنان با حیله‌گری، روز شنبه ماهیها را به آبگیرهای اطراف نهر هدایت می‌کردند و در روزهای دیگر به صید آنها می‌پرداختند.<sup>۳۱</sup> خدای متعال آنان را در پی این نافرمانی، به صورت بوزینه در آورد. روشن است که بدون توجه به آن ماجرای تاریخی، مفهوم و مقصود این آیات مبهم و نامعلوم خواهد

به جهت اهمیت مطلب، مفسران و دانشمندان علوم قرآن، از دیرباز به نقش فضای نزول در تفسیر آیات توجه کرده و کتاب‌های متعددی در این زمینه تألیف نموده‌اند، مانند /اسباب النزول واحدی نیشابوری، لباب التقول سیوطی و اسباب النزول حجتی کرمانی. زرکشی، سیوطی، زرقانی و استاد معرفت نیز در کتاب‌های علوم قرآن و تفسیر خود، بخشی را به بحث اسباب نزول اختصاص داده‌اند.<sup>۳۳</sup>

همچنین یکی از قواعد تفسیر آن است که در فهم مفاد استعمالی آیه، باید واژگان آن را مطابق با معنای عصر نزول معنا کنیم؛ یعنی با استفاده از روش‌های مختلف، به معنای واژه مطابق با عصر نزول دست یابیم و فاصله زمانی بین نزول قرآن و زمان فعلی را این‌گونه بازسازی کنیم.<sup>۳۴</sup> توشی هیکو ایزوتسو که چندین کتاب درباره معنانشناسی واژگان قرآن تألیف کرده است، عقیده دارد نخستین گام لازم درباره چارچوب تصویری اساسی قرآن، آن است که کوشش کنیم ساخت مفاهیم کلمات قرآنی را به صورت اصلی آنها فهم کنیم. یعنی به همان صورت که معاصران پیامبر و پیروان بلاواسطه او آن را می‌فهمیده‌اند.<sup>۳۵</sup> از این سخن چنین برداشت می‌شود که وی نیز بر ضرورت آگاهی از فضای نزول تأکید می‌کند. البته وی معتقد است هرچند رسیدن به چنین کمال مطلوبی در دسترس نیست؛ اما باید سعی خود را مبذول داریم تا هر چه ممکن است به این کمال مطلوب نزدیک شویم.<sup>۳۶</sup>

شایان ذکر است که آگاهی از فضای نزول آیات از سنخ آگاهی‌های تاریخی است و از طریق روایات بیانگر اسباب نزول و متون تاریخی بیان‌کننده فرهنگ عصر جاهلی و صدر اسلام قابل شناخت است.<sup>۳۷</sup> از طرفی، برخی از دانشمندان علوم قرآن تصریح کرده‌اند که این‌گونه روایات و اخبار و متون تاریخی، در صورتی در مورد فضای نزول قابل استفاده است که سند معتبری داشته باشد یا آنکه محفوظ به قرائن قطعی عقلایی باشد. در این صورت، در حد یک روایت معتبر قابل استفاده است و در غیر این صورت نمی‌توان از آن استفاده کرد.<sup>۳۸</sup>

مقدمه سوم: امکان بازسازی فضای نزول با علم اسباب نزول و نقل‌های معتبر تاریخی گذشت که آگاهی از فضای نزول در فهم قرآن کریم مؤثر است و پاره ای از آیات را نمی‌توان بدون آگاهی از فضای نزول آن به درستی تفسیر کرد. حال می‌گوییم امکان بازسازی آن قرائن و فضای نزول وجود دارد و به کمک روایات معتبر و همچنین نقل‌های معتبر تاریخی، می‌توان فضای نزول آیات را به دست آورد. این مطلب علت شکل‌گیری دانشی به نام «علم اسباب نزول» در بین دانشمندان و مفسران گردیده است که در آن جزئیات حوادث و رخدادهایی که آیات در پی آن نازل شده است و نیز زمان و مکان نزول آیات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اندیشمندان و مفسران اسلامی، تلاش می‌کنند تا از طریق بهره‌گیری از دانش اسباب نزول و نیز با استفاده از نقل‌های معتبر تاریخی، قرائن خارجی آیات، به خصوص فضای نزول، را بازسازی کنند.<sup>۳۹</sup> آنان بر این باورند در آیاتی که درباره حوادث معین و در زمان و مکان خاص نازل شده‌اند، دانش اسباب نزول و روایات موجود در این باب، می‌تواند در بازسازی فضای نزول آیه و تحصیل فهم روشن از آن، به مفسر کمک شایانی داشته باشد.

علاوه بر اندیشمندان و مفسران مسلمان، اندیشمندان باورمند به هرمنوتیک کلاسیک نیز در باب فهم متن، عقیده دارند فاصله زمانی بین متن و مفسر، قابل بازسازی است. آنها معتقدند مفسر باید با مؤلف همدلی کرده تا حد ممکن خود را به عصر مؤلف و جهان او نزدیک کند و از این طریق، اندیشه‌های او را در زمان حال بازسازی کند.<sup>۴۰</sup>

به عنوان نمونه، دپلتای، از متفکرین هرمنوتیک کلاسیک، می‌نویسد:

مفسر باید بر این فاصله زمانی فائق آید و به‌گونه‌ای خود را در روزگار مؤلف قرار دهد تا به افق اندیشه او نائل شود. برای فهم متن، مفسر باید خود را در افق دید مؤلف قرار دهد تا بتواند فعل آفرینش را دوباره تجربه کند.<sup>۴۱</sup>

از مقدمات فوق این نتیجه حاصل می‌شود که فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر، فی الجمله بر تفسیر تأثیر داشته؛ ولی از طریق مراجعه به روایات اسباب نزول و نقل‌های تاریخی معتبر قابل بازسازی و جبران است. در این صورت تا حد زیادی جزئیات و ظرائف آیات روشن گشته، مفاد صحیح آیات آشکار می‌گردد.

## ۵. نتیجه گیری

درباره تأثیر فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر در تفسیر سه دیدگاه وجود دارد: ۱. عدم تأثیر فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر در تفسیر؛ ۲. تأثیر تام فاصله زمانی در جلوگیری از فهم؛ ۳. تأثیر فی الجمله فاصله زمانی در تفسیر.

دیدگاه سوم دیدگاه برگزیده است و می‌توان آن را با سه مقدمه اثبات نمود: الف) مانعیت فی الجمله فاصله زمانی در تفسیر؛ ب) ضرورت آگاهی از فضای نزول در تفسیر قرآن؛ ج) امکان بازسازی فضای نزول با علم اسباب نزول و نقل‌های معتبر تاریخی. از مقدمات فوق این نتیجه حاصل می‌شود که فاصله زمانی بین نزول قرآن و مفسر، فی الجمله بر تفسیر تأثیر داشته؛ ولی از طریق مراجعه به روایات اسباب نزول و نقل‌های تاریخی معتبر، قابل بازسازی و جبران است. بنابراین، گرچه فاصله زمانی در تفسیر مؤثر بوده و مفسر را در فهم آیات با مشکل جدی مواجه می‌سازد؛ اما مانع از فهم و تفسیر قرآن نمی‌شود، بلکه می‌توان از طریق دقت در قرائن داخلی آیات و بهره‌گیری از قرائن خارجی و بازسازی فضای نزول، به فهم روشنی از آیات دست یافت.

## پی نوشت‌ها:

۱. ر.ک: فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ص ۵۸۷.
۲. ر.ک: فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، ج ۳، ص ۱۳۹۵.
۳. ر.ک: ابن درید، محمد بن حسن، ترتیب جمهرة اللغة، ج ۳، ص ۴۱.
۴. ر.ک: جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۲، ص ۷۸۱؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۵، ص ۵۵.

۵. رک: ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، ج ۱۲، ص ۲۸۲؛ فیروز آبادی، همان.
۶. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، ص ۹.
۷. برای تعاریف گوناگونی که از تفسیر ارائه شده است رک: بابایی، علی اکبر و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، ص ۱۲-۲۴؛ آریان، حمید، نقش عقل در تفسیر قرآن، ص ۳۶-۴۴.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۱، ص ۴.
۹. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، ص ۱۳.
۱۰. کریمی، مصطفی، «ماهیت تفسیر موضوعی»، قرآن شناخت، ش ۶، ص ۱۰۷.
۱۱. رک: رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، ص ۱۲۶.
۱۲. بابایی، علی اکبر و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، ص ۱۴۶. این نظر ممکن است از جمله پایانی علامه طباطبایی در بحث اسباب نزول کتاب «قرآن در اسلام» برداشت شود؛ آنجا که نگاشته‌اند: «اساساً مقاصد عالیه قرآن مجید که معارفی جهانی و همیشگی هستند (چنان‌که خواهد آمد) در استفاده خود از آیات کریمه قرآن، نیازی قابل توجه یا هیچ نیازی به روایات اسباب نزول ندارند.» ص ۱۷۶.
۱۳. رک: طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، مقدمه، ص ۱۶-۲۳.
۱۴. رک: واعظی، احمد، نظریه تفسیر متن، ص ۱۹۶؛ اکو، نیچه و دیگران، هرمونتیک مدرن، ترجمه بابک احمدی و دیگران، ص ۲۷۰؛ نصری، عبدالله، راز متن، ص ۱۰۶.
۱۵. واعظی، احمد، درآمدی بر هرمونتیک، ص ۱۷۸.
۱۶. اکو، نیچه و دیگران، هرمونتیک مدرن، ترجمه بابک احمدی و دیگران، ص ۱۳؛ نصری، عبدالله، راز متن، ص ۹۶.
۱۷. رک: طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان؛ زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب؛ مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه.
۱۸. واعظی، احمد، نظریه تفسیر متن، ص ۲۰۳؛ باقری، علی اوسط، نقش علائق و پیش‌دانسته‌های مفسر در تفسیر قرآن، ص ۷۸.
۱۹. رک: زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۰۹.
۲۰. رک: واعظی، احمد، درآمدی بر هرمونتیک، ص ۹۷؛ نصری، عبدالله، راز متن، ص ۱۱۸.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، قرآن شناسی، ج ۲، ص ۱۲۹.
۲۲. همان.

۲۳. ر.ک: واعظی، احمد و سبحانی تبریزی، جعفر، «اقتراح: هرمنوتیک دینی»، قیسات، ش ۱۷، ص ۱۷.
۲۴. ر.ک: رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، ص ۱۱۸.
۲۵. در این نوشته، سبب نزول و شأن نزول به یک معنا آمده است.
۲۶. ر.ک: حمیدی، غلام رسول، هرمنوتیک و تفسیر، ص ۱۵۱.
۲۷. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، ترجمه خیاط و نصیری، ج ۱، ص ۲۲۰.
۲۸. ر.ک: رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، ص ۱۲۰؛ مسعودی، محمد مهدی، «ارتباط اسباب نزول و تفسیر»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۲ و ۱، ص ۴۷.
۲۹. ر.ک: طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۴۰؛ طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۱، ص ۳۹۲؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۴، ص ۱۳۸؛ آلوسی، روح المعانی، ج ۱، ص ۴۲۴؛ زمخشری، کشاف، ج ۱، ص ۲۰۸؛ ابن جوزی، زاد المسیر، ج ۱، ص ۱۲۵؛ سیوطی، لباب النقول، ص ۲۰؛ مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۳۷.
۳۰. ر.ک: رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، ص ۱۲۰.
۳۱. ر.ک: شیخ طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۲۹۱؛ زمخشری، کشاف، ج ۱، ص ۱۴۷؛ مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۹۷؛ قرشی، سید علی اکبر، احسن الحدیث، ج ۱، ص ۱۵۱.
۳۲. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، ص ۱۲۳.
۳۳. زرکشی اولین نوع کتاب خود را به شناخت اسباب نزول اختصاص داده است که از اهمیت ویژه این مبحث در نگاه او حکایت دارد. ر.ک: البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۵؛ سیوطی نیز نوع نهم کتاب خود را شناخت اسباب نزول عنوان داده است. ر.ک: الاتقان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۲۰؛ آیت الله معرفت نیز در التمهید، بخشی را به مباحث اسباب نزول اختصاص داده است. ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۴۱.
۳۴. ر.ک: رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، ص ۵۷.
۳۵. ایزوتسو، توشی هیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، ص ۹۰.
۳۶. همان.
۳۷. باقری، علی اوسط، «مجاری تأثیر پیش دانسته‌های مفسر در تفسیر»، قرآن‌شناخت، ش ۴، ص ۸۸.
۳۸. ر.ک: مصباح یزدی، محمد تقی، قرآن‌شناسی، ج ۲، ص ۱۳۰؛ رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، ص ۱۲۵.



۳۹. رک: مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن‌شناسی، ج ۲، ص ۱۲۹؛ رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، ص ۱۲۰؛  
حجتی کرمانی، سید محمدباقر، اسباب النزول؛ واحدی نیشابوری، اسباب النزول؛ سیوطی، لباب النقول  
فی اسباب النزول.

۴۰. رک: واعظی، احمد، درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۹۷.

۴۱. همان، ص ۹۹.

## منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه بر اساس تفسیر المیزان.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبد الباری عطیه،  
بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳. الازدی، محمد بن حسن بن درید، ترتیب جمهره اللغه، ترتیب و تصحیح عادل عبدالرحمان  
البدری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶ ش.
۴. ابن جوزی، ابو الفرج عبد الرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبد الرزاق  
المهدی، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۶. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۷. اکو، نیچه، هایدگر و دیگران، هرمنوتیک مدرن، ترجمه بابک احمدی و دیگران، تهران: نشر  
مرکز، چاپ هفتم، ۱۳۸۷ ش.
۸. ایزوتسو، توشی‌هیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار،  
۱۳۶۱ ش.
۹. بابایی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم،  
۱۳۸۸ ش.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغه و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین،  
۱۳۷۶ ق.

۱۱. حمیدی، غلام‌رسول، هرمنوتیک و تفسیر: نگاهی تطبیقی به دیدگاه شلایر ماخر و علامه طباطبایی، قم: انتشارات بین الملل المصطفی، ۱۳۸۸ش.
۱۲. حجتی کرمانی، سید محمدباقر، اسباب النزول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ش.
۱۳. رجیبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۷ش.
۱۴. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۸ق.
۱۵. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مصر: دار احیاء الکتب العربیه، بی تا.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربیه، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۱۶ق.
۱۸. \_\_\_\_\_، لباب النقول فی اسباب النزول، بیروت: دار احیاء العلوم، چاپ چهارم، ۱۴۰۳ق.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سی و یکم، ۱۳۹۰ش.
۲۰. \_\_\_\_\_، قرآن در اسلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۳ش.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربیه، بی تا.
۲۳. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربیه، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۲۵. فیروزآبادی، مجد‌الدین محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق.
۲۶. قرشی، سید علی اکبر، احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.

۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن‌شناسی، تحقیق غلامعلی عزیزی‌کیا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.

۲۸. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.

۲۹. \_\_\_\_\_، تفسیر و مفسران، ترجمه خیاط و نصیری، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹ ش.

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۳۱. نصری، عبد الله، راز متن (هرموتیک، قرائت پذیری متن و منطق فهم دین)، تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۸۱ ش.

۳۲. واعظی، احمد، درآمدی بر هرموتیک، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

۳۳. \_\_\_\_\_، نظریه تفسیر متن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ ش.

پایان نامه‌ها:

۱. آریان، حمید، نقش عقل در تفسیر قرآن، رساله دکتری، تفسیر و علوم قرآن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱، ۱۳۸۹.

۲. باقری، علی‌اوسط، نقش علائق و پیش‌دانسته‌های مفسر در تفسیر قرآن، رساله دکتری، تفسیر و علوم قرآن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱، ۱۳۸۹.

مجلات:

۱. باقری، علی‌اوسط، «مجاری تأثیر پیش‌دانسته‌های مفسر در تفسیر قرآن»، قرآن‌شناخت، ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۷۳-۱۱۰.

۲. کریمی، مصطفی، «ماهیت تفسیر موضوعی»، قرآن‌شناخت، ش ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۰۵-۱۳۰.

۳. مسعودی، محمدمهدی، «ارتباط اسباب نزول و تفسیر»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۷۴، ص ۳۵-۷۸.

۴. واعظی، احمد و سبحانی تبریزی، جعفر، «اقتراح: هرموتیک دینی»، قبسات، ش ۱۷، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۲-۳۱.